ازدواج موقت

احادیثی معتبر، در مورد ثـوابِ بسیـار زیـادِ ازدواج مـوقت و تاکیـد ائمـه بر انجامِ آن

تو خود حدیثِ مفصل بخـــوان از این مُجمَـــــــل

پیامبر اکرم (ص) فرمودند:

هرکس، یک‌بار در زندگیِ خود مَتَعِه (ازدواج موقت)، کند، درجه‌اش به مانندِ درجه‌ی حسن مجتبا [(۱)] خواهد بود و هرکس دوبار متعه کند، درجه‌اش به مانندِ حسین، سیدالشهدا خواهد بود، و هرکس سه بار این کار را انجام دهد، به درجه‌ی علیِ مرتضا نایل می‌آید، و هرکس چهاربار متعه بگیرد، درجه‌اش همانند من خواهد بود.

لئالی الاخبار، ج ۳ ص ۲۴۳

صالح بن عقبه از پدرش نقل می‌کند:

ـ به امام صادق گفتم: « آیا متعه ثواب هم دارد »؟

ـ فرمودند: « اگر شخصِ متعه‌کننده با این کار، رضایتِ خداوند و مخالفت با منکرانِ این کار را خواسته باشد، خـداوند بـرای هر کلمه‌ای که با متعه (زنِ صیغه‌ای) صحبت می‌کنـد، یک حسنه برای‌اش می‌نویسـد و یا هربار کـه دستِ خـود را به سـوی‌اش دراز می‌کند، یک حسنه برایش ثبت می‌شود و هنگامی‌که نزدیک‌اش می‌شود، خداوند، یک گناه از او پاک می‌گرداند و در هنگامِ غسل، خداوند، به اندازه‌ی آبی که از موهای‌اش می‌گذرد، گناه او را پاک می کند».

ـ پرسید: « به اندازه‌ی موهای‌اش »؟

ـ فرمودند: « آری، به اندازه‌ی موهای‌اش ».

وسائل ج ۱۴/ لئالی ج۳/من لا یحضر ج ۳

از امام صادق ســوال شد:

ـ « آیا رسول خدا متعه کرد »؟

ـ فرمودند: « آری ».

پیامبر اعظم فرمودند: « هر که یک‌بار متعه کند، ایمن شود از خشمِ خدای تعالی و هرکه دوبار متعه کند، با نیکوکاران محشور شود و هرکه سه‌بار متعه کند، در درجه‌ی روضه‌ی جنان (بهشت) با من خواهد بود ».

پس امام صادق فرمودند: « هرکسی که ازدواج موقت کند و بعد غسل کند، از هر قطره‌ای که از آبِ غسلِ او می‌چکد، خداوند، هفتاد مَلِک (فرشته) را خلق می‌نماید که تا روز قیامت، برای او طلب آمرزش و بخشش نمایند و تا روز قیامت، برکسی که از این عمل دوری کند، لعنت می‌فرستد ».

وسائل الشیعه ج ۱۴ ص ۴۴۴

(یعنی با هربار غسل‌کردن، اگر فرض کنیم که تنها یک لیتر آب به‌صورتِ قطره از بدنِ این مومن بچکد، باتوجه به این که یک لیتر آب، معادلِ ۱۰۰۰ سی‌سی آب است و هر یک سی‌سی، حدود ۲۰ قطره خواهد شد، پس در یک محاسبه‌ی ساده، ۱/۴۰۰/۰۰۰ ملک آفریده می‌شوند که تا قیامت، دعاگویِ این مومن محترم باشند.

حال اگر این مومن، هفته‌ای یک‌بار هم بخواهد دوش بگیرد، چنان‌چه به همین یک ازدواجِ موقت بسنده کرده باشد، و فرض کنیم، پنج سال هم در خدمتِ آن بانویِ گـرامی باشـد، در محـاسبه‌ای ساده، تعدادِ فرشته‌گانِ آفریده‌شده و تسبیح‌گو، به اِزایِ این عملِ خداپسندانه !!!، تنها در همین پنج سالِ فرض‌شده، عددی معادلِ ۳۶۴/۰۰۰/۰۰۰ فرشته را در برمی‌گیرد.

بعیـد است که بـا این تعـداد فـرشته‌ی تسبیـح‌گو، آن هم از امـروز تا روزِ قیـامت، که تنهـا به مـددِ عملـی این‌چنیـن خیرخواهانه !!!!، یعنـی « ازدواج موقت »، البته فقط در ازایِ درآغوش‌گرفتنِ یک بانویِ مُکَرمِه !!!، به نیایش و سپاس از مومنین مشغول خواهند شد، دیگر گناهی برای مومنینِ عزیز باقی بماند.

ریاضـی‌دانانِ عزیز، به‌جایِ بی‌کار نشستن، می‌توانند به محاسباتِ ریاضیِ خود ادامه دهند، اگر این مومنِ محترم، بخواهد در طولِ عمرِ شریف و پربارِ خود، از وصالِ بی‌مثالِ چندین بانویِ این‌چنین قیمتی و پربها، بارها و به‌دفعات بهره‌مند گردد، بشمارند تعدادِ فرشته‌ی تسبیح‌گو را).

خودتان پیدا کنید پرتقال فروش را ...

امام صادق فرمود:

هنگامی‌که پیامبر به معراج رفت، فرمود: « جبرئیل نزد من آمده و گفت: ای محمد(ص)، خداوندِ تبارک و تعالی می‌فرماید: من گناهانِ زنانی که از امت تو، متعه شوند (صیغه گردند) را بخشیدم ».

رسائل ج ۱۴/ لئالی ج ۳ / من لا یحضر ج ۳

بانوانِ محترم، بشتابید، یکی بخرید، دو تا ببرید ...

تا کور شـــود هر آن که نتواند دید

در خلاصه‌الاخبار، از پیامبر اکرم نقل شده که:

یک روز به یاران‌اش فرمود: « برادرم جبرئیل، از پروردگارم برایم هدیه‌ای آورد که خداوند به هیچ یک از پیامبرانِ پیش از من هدیه نکرده بود و آن، متعه است ».

لئالی ج ۳ ص ۲۴۳

پیامبر اکرم می‌فرمایند:

« دو نفری که ازدواج موقت می‌نمایند، هنگامی‌که با هم صحبت می‌کنند، کلامِ آن ها تسبیح خداوند است و هنگامی که دستِ همدیگر را گرفتند، گناهان‌شان از میان انگشتان‌شان فرو می‌ریزد. هنگامی‌که یکی از آنان دیگری را می‌بوسد، خداوند برای هر بوسه، ثوابِ یک حج و عمره را می‌دهد و هنگامی‌که ازهم جدا می‌شوند، خداوند برای هر دوی آنان، به هر لذت و شهوتی که برده‌اند، حسنه‌ای به بزرگیِ کوه‌های بسیار بلند، در نامه‌ی عمل‌شان می‌نویسد.

و هنگامی‌که بلندشده و غسل کردند، خداوند گناهانِ آنان را می‌بخشد و آبی، بر مویی از موهای‌شان عبور نمی‌کند، مگر این‌که خداوند برای هریک از آن‌ها، ده ثواب نوشته و ده گناه محو کرده و ده درجه بالا می‌برد ».

پس، پیامبر فرمودند:

« و برای هرکسی که پیوندِ بین آن‌ها را ایجاد کرده باشد، همین ثواب‌ها خواهد بود ».

و در ادامه فرمودند:

« یک درهم خرج برای متعه (صیغه)، از هزار درهمی که در راهِ خدا خرج شود، برتراست. به خدا سوگند که متعه برتر است و آن چیزی است که قرآن درباره‌ی آن سخن گفته و سنت بر آن جاری شده است ».

لئالی الاخبار ج ۱ ص ۲۴۴

پس چرا مومنینِ محترم این‌همه خرج رفتن به مکه می‌کنند و اصرار به انجامِ حج دارند، وقتی می‌شود با انجامِ بوسه‌ای شیرین، به این ثواب دست یافت ؟!!!

در روایت است که:

« مومن، کامل نمی‌شود تا این که متعه انجام دهد ».

من لا یحضر ج ۳ / وسائل ج ۱۴

هشام بن سالم، از امام جعفر صادق نقل می‌کند که آن حضرت فرمودند:

« مستحب است که مرد متعه کند و برای مردان شما، دوست ندارم که از دنیا بروند، بدون این‌که حتی یک بار متعه کرده باشند ».

وسائل ج ۱۴ باب ۲ حدیث ۷

بکر بن حمد می‌گوید: از امام صادق در مورد متعه ســوال کردم، فرمود:

« من دوست ندارم مرد مسلمانی را، که از دنیا خارج شود و یکی از سنت‌های پیامبر را انجام ندهد ».

من لا یحضر ج۳

ابو بصیر می‌گوید: بر امام جعفر صادق وارد شدم. او به من فرمود:

ـ « ای ابومحمد، آیا از هنگامی‌که از نزد خانواده‌ات خارج شده‌ای، متعه کرده‌ای »؟

ـ گفتم: « نه ».

ـ فرمودند: « چرا »؟

ـ گفتم: « به اندازه‌ی کافی توانایی مالی ندارم ».

ـ حضرت دستور دادند یک دینار به من بدهند و فرمودند: « تو را قسم می‌دهم که به خانه نروی، مگر آن‌که این کار را انجام دهی ».

وسائل ج ۱۴ باب ۲ حدیث ۱۴

اسماعیل بن فضل هاشمی نقل می‌کند که امام صادق به من فرمودند:

ـ « آیا از هنگامی‌که از نزد خانواده ات خارج شده‌ای متعه کرده ای »؟

ـ گفتم: « چون مشاغل زیادی دارم، خداوند مرا از آن بی‌نیاز کرده است ».

ـ حضرت فرمودند: « حتی اگر بی نیاز باشی، من دوست دارم که سنت پیامبر را احیا نمایی ».

وسائل ج ۱۴ باب ۲ حدیث ۱۳

پانوشت:

۱ ـ در بیانِ درجه‌ی امام مجتبا، به بخشی از نوشته‌ی زیر توجه کنید. باور کنید که این نگارش، از مغرضان و بی‌دین‌ها نیست:

فرزندِ ارشدِ « علی »، « حسن مجتبا »، در به‌دست‌آوردن و البته طلاق‌دادنِ زنان، بسیار مشهور بوده است. مورخین نوشته‌اند که او ۷۰ و به روایتی ۹۰ زن را پس از تملک، طلاق داده است !!!!! و بدین‌سان، او را « قهرمانِ طلاق » نامیده‌اند.

نوشته‌اند که در زمانِ « علی »، عده‌ای از سران و بزرگانِ قبایلِ عرب، نزدِ وی به شکایت می‌روند که: « حسن، فرزندِ تو، دخترانِ ما را می‌گیرد و پس از چندی طلاق می‌دهد ».

پاسخِ علی، بسیــار شنیــدنی است. او می‌گــوید: « چــاره‌ی کار در دستِ خــودتان است، شمــا چــرا به او دختــر می‌دهید » !!!!

(رهنما، زین‌العابدین. زندگانی امام حسین. نشر زوار. چاپ هفدهم. ۱۳۷۶. جلد دوم. ص ۲۱۰).

جالب است که کتابِ « آقای زین‌العابدینِ رهنما »، که این موارد در آن به رشتــه‌ی نگارش درآمده و درآن، به این مطالب، اشاره رفته است، در حکومتِ جمهوری اسلامی نیز، بارها تجدیدِ چاپ شده و بزرگانِ ادبِ ایران، چون « محمدعلی جمــال‌زاده »، « دکتر مهــدی پرهــام »، « دکتر اسدالله مبشری » و حتی روحانیِ معروفی به‌نامِ « آیت‌الله حاج شیخ خلیل کمره‌ای »، در پیش‌گفتار و دیباچه‌ی آن، بر سلامت و صحتِ نوشتارِ آن، مهر تایید گذاشته‌اند.